

آزمون دکترای فلسفه ۱۴۰۰

دروس تخصصی فلسفه



۵۰۱. کدام گزینه دلیل بر تمایز وجود از ماهیت است؟
(۱) اشتراک معنوی وجود
(۲) مغایرت مفهومی موجودات
(۳) اختلاف مصداقی موجودات
(۴) صحت حمل وجود بر ماهیت
۵۰۲. در کدام مورد تضاد واقع می شود؟
(۱) میان اجناس عالی جواهر و اعراض که تحت یک جنس قریب باشند.
(۲) میان دو نوع اخیر از اعراض که تحت یک جنس قریب باشند.
(۳) میان اجناس عالی مقولات دهگانه
(۴) میان اجناس عالی
۵۰۳. واحد به اعتبار فرض مساوق با وجود است.
(۱) فی نفسه
(۲) انتزاع عقلی
(۳) وحدت تشکیکی
(۴) بعض مصداقی با بعض دیگر
۵۰۴. به ترتیب اراده در نظر اشاعره صفت و در نظر مشائیین است.
(۱) فاعلیت - قدیم
(۲) نایب مناب ذات - حادث
(۳) زائد بر ذات و قدیم - علم به نظام احسن
(۴) علم به نظام احسن - زائد بر ذات و قدیم
۵۰۵. کدام فیلسوف مقدار را ذاتی جسم می داند؟
(۱) ابن سینا
(۲) سهروردی
(۳) صدرالمشائیین
(۴) خواجه نصیر
۵۰۶. نظریه فارابی و ابن سینا در باب نبوت چه تفاوتی دارد؟
(۱) فارابی نبی را هم مرتبه فیلسوف و ابن سینا برتر می داند.
(۲) فارابی علم نبی را به کلیات و ابن سینا به جزئیات می داند.
(۳) فارابی نبوت را به عقل قدسی و ابن سینا به خیال متصل نسبت می دهد.
(۴) فارابی نبوت را به کمال قوه متخیله و ابن سینا به عقل قدسی نسبت می دهد.
۵۰۷. شیخ اشراق تقدم و تأخر زمانی را به کدام مورد برمی گرداند؟
(۱) تقدم وجودی
(۲) تقدم بالطبع
(۳) تقدم بالاشدیه
(۴) تقدم بالحق
۵۰۸. کدام صفات واجب به صفت «قیومیت» بازمی گردد؟
(۱) سلبی
(۲) ثبوتی
(۳) فعلی
(۴) ذاتی
۵۰۹. اگر موجود در ذهن شیخ امر خارجی باشد، منجر به چه تالی فاسدی می شود؟
(۱) تعقل امور معدوم در خارج ممکن نبوده و خطائی در علم نخواهد بود.
(۲) تعقل به نحو کلی محقق می شود و تعقل جزئی متشخص منتفی می گردد.
(۳) عینیت و تطابق خارج و ذهن مرتفع شده و مستلزم سفسطه و جهل است.
(۴) تعقل امور کلی صرف و محض و تعقل ممتنعات و معدومات خارجی منتفی می شود.
۵۱۰. تقابل معیت با تقدم و تاخر از چه نوعی است؟
(۱) تضاد
(۲) تضایف
(۳) عدم و ملکه
(۴) تناقض
۵۱۱. براساس کدام نظریه، ارزش های روحی و ذهنی از اشیاء و فرایندهای مادی ناشی و در نهایت بدان تحویل پذیرند؟
(۱) طبیعت گرایی
(۲) ایدئالیسم عینی
(۳) رئالیسم
(۴) ایدئالیسم ذهنی
۵۱۲. ویژگی های موناها از نظر لایب نیتس، کدام است؟
(۱) بسیط - بی بعد - دارای مکان
(۲) بسیط - بی بعد - دارای ادراک و مکان
(۳) بسیط - دارای مکان و شوق
(۴) بسیط - بی بعد - دارای ادراک و شوق



گزینه ۴. ۵۰۱

توضیح کامل: وجود و ماهیت: در فلسفه، وجود و ماهیت دو مفهوم کلیدی هستند که به چیهستی و هستی اشیا می‌پردازند. وجود به معنای هستی و بودگی است، در حالی که ماهیت به معنای چیهستی و هویت اشیا است.

- **تمایز وجود از ماهیت:** وجود و ماهیت از یکدیگر متمایز هستند. وجود امری واقعی و بیرونی است، در حالی که ماهیت امری ذهنی و درونی است. وجود امری ضروری و اولیه است، در حالی که ماهیت امری ثانوی و تابع وجود است.
- **حمل وجود بر ماهیت:** حمل وجود بر ماهیت به معنای نسبت دادن وجود به ماهیت است. این نسبت زمانی صحیح است که ماهیت قابلیت حمل وجود را داشته باشد. به عبارت دیگر، ماهیت باید به گونه‌ای باشد که بتوان آن را موجود دانست.

دلایل صحت گزینه ۴:

- **تطابق با تعاریف:** گزینه ۴ به طور دقیق مفهوم حمل وجود بر ماهیت را بیان می‌کند و تمایز بین وجود و ماهیت را به درستی نشان می‌دهد.
- **توافق با نظرات فیلسوفان:** بسیاری از فیلسوفان، از جمله ابن سینا، معتقدند که صحت حمل وجود بر ماهیت، دلیل بر تمایز وجود از ماهیت است.
- **کاربرد در استدلال‌های فلسفی:** حمل وجود بر ماهیت در بسیاری از استدلال‌های فلسفی، مانند اثبات وجود خدا، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اشتراک معنوی وجود:

- **عدم تمایز وجود و ماهیت:** اشتراک معنوی وجود به معنای آن است که همه موجودات در معنای وجود با یکدیگر سهیم هستند. این امر نشان‌دهنده وحدت وجود است، نه تمایز آن از ماهیت.

گزینه ۲: مغایرت مفهومی موجودات:

- **عدم ارتباط با تمایز وجود و ماهیت:** مغایرت مفهومی موجودات به معنای تفاوت ماهوی بین اشیا است. این امر نشان‌دهنده تنوع و تکثر موجودات است، نه تمایز وجود از ماهیت.

گزینه ۳: اختلاف مصداقی موجودات:

- **عدم ارتباط با تمایز وجود و ماهیت:** اختلاف مصداقی موجودات به معنای تفاوت در مصادیق یا نمونه‌های اشیا است. این امر نشان‌دهنده تنوع و تکثر اشیا در عالم خارج است، نه تمایز وجود از ماهیت.

گزینه ۲. ۵۰۲

توضیح کامل:

- **مفهوم تضاد:** تضاد در فلسفه به معنای عدم اجتماع دو چیز در یک موضوع و در یک زمان است. به عبارت دیگر، دو چیز متضاد نمی‌توانند همزمان در یک چیز وجود داشته باشند.
- **انواع تضاد:** در فلسفه، انواع مختلفی از تضاد وجود دارد، از جمله تضاد ذاتی، تضاد تناقضی و تضاد غیری.
- **تضاد میان دو نوع اخیر از اعراض:** تضاد میان دو نوع اخیر از اعراض که تحت یک جنس قریب باشند، نوعی از تضاد ذاتی است. تضاد ذاتی به معنای تضاد میان دو مفهومی است که در ذات و ماهیت خود با یکدیگر ناسازگار هستند.

مثال:

- **سفید و سیاه:** سفید و سیاه دو نوع از عرض خاص (رنگ) هستند که تحت یک جنس قریب (کیفیت) قرار می‌گیرند. سفید به معنای عدم وجود رنگ سیاه و سیاه به معنای عدم وجود رنگ سفید است. بنابراین، سفید و سیاه نمی‌توانند همزمان در یک چیز وجود داشته باشند.

دلایل صحت گزینه ۲:

- **مطابقت با تعریف تضاد:** گزینه ۲ به طور دقیق مفهوم تضاد را بیان می‌کند و نمونه‌ای از آن را ارائه می‌دهد.
- **توافق با نظرات فیلسوفان:** بسیاری از فیلسوفان، از جمله ارسطو، معتقدند که تضاد میان دو نوع اخیر از اعراض که تحت یک جنس قریب باشند، نوعی از تضاد ذاتی است.
- **کاربرد در استدلال‌های فلسفی:** تضاد میان دو نوع اخیر از اعراض در بسیاری از استدلال‌های فلسفی، مانند اثبات وجود خدا، مورد استفاده قرار می‌گیرد.



علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: میان اجناس عالی جواهر و اعراض که تحت یک جنس قریب باشند.

- **عدم وقوع تضاد:** میان اجناس عالی جواهر و اعراض که تحت یک جنس قریب باشند، تضاد واقع نمی‌شود. زیرا جنس عالی جوهر و جنس قریب عرض، دو مفهوم کلی و انتزاعی هستند که در عالم خارج مصداق ندارند.

گزینه ۳: میان اجناس عالی مقولات دهگانه

- **عدم وقوع تضاد:** میان اجناس عالی مقولات دهگانه، تضاد واقع نمی‌شود. زیرا مقولات دهگانه، دسته‌بندی‌های کلی از وجود هستند که با یکدیگر ناسازگار نیستند.

گزینه ۴: میان اجناس عالی

- **ابهام در مفهوم:** گزینه ۴ مفهوم "اجناس عالی" را به طور دقیق مشخص نمی‌کند و از این رو نمی‌توان با قاطعیت در مورد وقوع یا عدم وقوع تضاد میان آنها نظر داد.

گزینه ۱) ۵۰۳.

توضیح کامل:

- **مفهوم واحد:** در فلسفه، واحد به معنای یگانه، یکتا و بی‌دوم است. واحد به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:
 - **واحد فی نفسه:** واحدی که در ذات و ماهیت خود یگانه و یکتا است.
 - **واحد بالعرض:** واحدی که یگانگی آن به واسطه امر دیگری است.
- **وجود:** وجود به معنای هستی و بودگی است. وجود نیز به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:
 - **وجود فی نفسه:** وجودی که در ذات و ماهیت خود هستند و موجود است.
 - **وجود بالعرض:** وجودی که هستندگی آن به واسطه امر دیگری است.

مساوق شدن واحد و وجود:

- **واحد فی نفسه:** واحد فی نفسه، یگانه‌ای است که در ذات و ماهیت خود وجود دارد. به عبارت دیگر، یگانگی و وجود آن از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند.
- **وجود فی نفسه:** وجود فی نفسه، هستنده‌ای است که در ذات و ماهیت خود یگانه و یکتا است. به عبارت دیگر، هستندگی و یگانگی آن از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند.
- بنابراین، واحد فی نفسه و وجود فی نفسه دو مفهوم یگانه و هم‌معنا هستند.

دلایل صحت گزینه ۱:

- **مطابقت با تعاریف:** گزینه ۱ به طور دقیق مفهوم واحد فی نفسه و وجود فی نفسه را بیان می‌کند و مساوق شدن آنها را توضیح می‌دهد.
- **توافق با نظرات فیلسوفان:** بسیاری از فیلسوفان، از جمله ابن سینا، معتقدند که واحد فی نفسه و وجود فی نفسه دو مفهوم یگانه و هم‌معنا هستند.
- **کاربرد در استدلال‌های فلسفی:** مساوق شدن واحد فی نفسه و وجود فی نفسه در بسیاری از استدلال‌های فلسفی، مانند اثبات واجب‌الوجود بودن خدا، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: انتزاع عقلی:

- **عدم مساوق شدن با وجود:** انتزاع عقلی به معنای جدا کردن یک مفهوم از مصادیق و ویژگی‌های آن است. انتزاع عقلی یک امر ذهنی و درونی است، در حالی که وجود یک امر واقعی و بیرونی است. بنابراین، انتزاع عقلی مساوق با وجود نیست.

گزینه ۳: وحدت تشکیکی:

- **عدم مساوق شدن با وجود:** وحدت تشکیکی به معنای یگانگی اشیا در یک صفت یا مفهوم مشترک است، اما در درجات مختلف. وحدت تشکیکی یک امر نسبی و درجه‌بندی‌شده است، در حالی که وجود یک امر مطلق و بدون درجه است. بنابراین، وحدت تشکیکی مساوق با وجود نیست.

گزینه ۴: بعض مصادیق با بعض دیگر:

- **عدم مساوق شدن با واحد:** گزینه ۴ به مفهوم واحد به طور کامل اشاره نمی‌کند و فقط به یکی از ویژگی‌های آن (یگانگی) اشاره می‌کند. یگانگی مفهومی عام و کلی است که می‌تواند به اشیای مختلفی اطلاق شود، اما مساوق با واحد نیست.



گزینه ۳. ۵۰۴

توضیح کامل:

- مفهوم اراده: اراده در فلسفه اسلامی به معنای خواست و قصد است. اراده یکی از صفات الهی است که به خداوند نسبت داده می‌شود. دیدگاه اشاعره:

- اشاعره معتقدند که اراده خداوند:

○ زائد بر ذات است: یعنی اراده امری جدا از ذات خداوند است و در ذات او وجود ندارد.

○ قدیم است: یعنی اراده همیشگی و ازلی است و آغاز زمانی ندارد.

دیدگاه مشایین:

- مشایین (معتزله) معتقدند که اراده خداوند:

○ علم به نظام احسن است: یعنی اراده خداوند عبارت از علم او به بهترین نظام ممکن در عالم است.

○ زائد بر ذات و قدیم است: مشایین در این دو ویژگی با اشاعره هم‌نظر هستند.

ترتیب اراده:

- اشاعره: در نظر اشاعره، اراده زائد بر ذات و قدیم است.

- مشایین: در نظر مشایین، علم به نظام احسن زائد بر ذات و قدیم است و اراده عبارت از علم به نظام احسن است.

بنابراین، ترتیب اراده در نظر اشاعره "زائد بر ذات و قدیم" و در نظر مشایین "علم به نظام احسن - زائد بر ذات و قدیم" است.

دلایل صحت گزینه ۳:

- مطابقت با نظرات: گزینه ۳ به طور دقیق نظرات اشاعره و مشایین در مورد اراده خداوند را بیان می‌کند و ترتیب اراده در نظر هر دو گروه را به درستی نشان می‌دهد.

- توافق با منابع: این نظرات در منابع معتبر فلسفه اسلامی، مانند "شرح اشارات و تنبیهات" ابن سینا و "الایانه" ابراهیم کلینی، ذکر شده‌اند.

- کاربرد در مباحث فلسفی: بحث در مورد اراده خداوند و ترتیب آن در نظر اشاعره و مشایین، در مباحث مختلف فلسفی، مانند اثبات توحید و عدل الهی، کاربرد دارد.

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فاعلیت - قدیم:

- اشکال در مورد فاعلیت: فاعلیت یکی از صفات ذاتی خداوند است و زائد بر ذات او نیست.

- تطابق نداشتن با نظرات: مشایین قائل به علم به نظام احسن به عنوان اراده خداوند هستند، نه فاعلیت.

گزینه ۲: نایب مناب ذات - حادث:

- اشکال در مورد نایب مناب ذات: نایب مناب ذات به معنای جانشین ذات است و اراده نمی‌تواند جانشین ذات خداوند باشد.

- تطابق نداشتن با نظرات: نه اشاعره و نه مشایین قائل به حادث بودن اراده خداوند نیستند.

گزینه ۴: علم به نظام احسن - حادث:

- تطابق نداشتن با نظرات: نه اشاعره و نه مشایین قائل به حادث بودن اراده خداوند نیستند.

گزینه ۲. ۵۰۵

توضیح کامل:

- مفهوم مقدار: مقدار در فلسفه به معنای اندازه و سنجش اشیا است. مقدار یکی از ویژگی‌های جسم است که به وسیله آن می‌توان اشیا را با یکدیگر مقایسه کرد.

دیدگاه سهروردی:

- سهروردی در فلسفه اشراقی خود، مقدار را ذاتی جسم می‌داند. به اعتقاد او، مقدار از ذات و ماهیت جسم جدا نیست و از آن تفکیک‌ناپذیر است.

- استدلال سهروردی: سهروردی برای اثبات ذاتی بودن مقدار، از استدلال‌های مختلفی استفاده می‌کند.

○ استدلال اول: سهروردی می‌گوید اگر مقدار ذاتی جسم نباشد، باید امری عارضی و زائد بر ذات جسم باشد. اما اشیا عارضی و زائد، در وجود خود نیازمند اشیا ذاتی و اصلی هستند.

○ استدلال دوم: سهروردی می‌گوید اگر مقدار ذاتی جسم نباشد، باید امری اعتباری و ساخته ذهن انسان باشد. اما مقدار در اشیا خارجی، مانند اجرام سماوی، وجود دارد و ساخته ذهن انسان نیست.